

گزارش روز

روایت یک زندگی مشترک همراه با معلولیت:

ترحمِ مردم و بی‌توجهی مسئولان



سمیه‌جاهدعطائیان

روز جهانی افراد دارای معلولیت در ایران، فرصتی است برای دیدن و شنیدن روایت‌هایی که معمولا در شلوغی زندگی شهری کم می‌شوند؛ روایت‌هایی از عشق، مشارکت، استقلال و جالش‌هایی که زوج‌های دارای معلولیت هر روز با آن روبه‌رو هستند. آنچه در ادامه می‌خوانید، بازتابی از زندگی مشترک دو انسان است که جهان را نه از مسیر همدردی، بلکه از مسیر همراهی و هم‌قدمی می‌سازند.

مهشید و علی در شلوغی یک ایستگاه مترو دوشادوش هم راه می‌روند؛ جایی که علی بازوی مهشید را آرام گرفته و هر دو با کام‌هایی هماهنگ وارد واگن می‌شوند. چند ساعت بعد، پشت میز ناهار نشستند؛ جایی که مهشید با حوصله و دقت محتویات بشقاب غذای علی را برایش توضیح می‌دهد تا او بهتر بتواند مسیر قاشقش را پیدا کند و تصویر دقیق‌تری از غذای پیش‌رو داشته باشد. این لحظه‌ها، ساده و روزمره به نظر می‌رسند، اما نشانه‌ای از رابطه‌ای‌اند که بر پایه اعتماد، همکاری و احترام متقابل است.

«علی حباری»، کارگردان و نویسنده نمایش‌های عروسکی و نوازنده ساز کمانچه است. به همین دلیل به او لقب «علی کمانچه» داده‌اند. در کنار او، همسرش «مهشید خازنه» نیز زنی هنرمند است؛ عروسک‌گردان، معلم و نقاشی که جهانش را با رنگ، حرکت و تخیل می‌سازد. همراهی این‌دو، تصویری روشن‌تر از معنای واقعی زندگی با معلولیت ارائه می‌دهد. زندگی‌ای که نه بر ترحم که بر توانمندی، عشق و تلاش برای همراهی و حفظ استقلال بنا شده است. از «مهشید خازنه» از تجربه‌های زندگی مشترک با یک فرد نابینا پرسیدیم تا تجربه‌های زیسته‌اش را روایت کند.

او از ابتدای آشنایی می‌گوید: «من و علی حدود شش سال است که با هم ازدواج کرده‌ایم. شیوه آشنایی ما به محل کارمان برمی‌گردد؛ مرکز توانبخشی حضرت زینب، جایی که با دختران دارای معلولیت ذهنی و کم‌توان ذهنی کار می‌کردیم. من هنردانگر بودم و علی هم بخش موسیقی را برعهده داشت. فضای توانبخشی، با تمام پیچیدگی‌ها و زیبایی‌هایش باعث شد ارتباط ما در یک محیط انسانی، آرام و معنادار شکل بگیرد. حدود دو ماه بعد از شروع کارم، علی علاقه‌اش را صادقانه با من مطرح کرد و من هم موضوع را با خانواده در میان گذاشتم. از آن لحظه تا زمان نامزدی حدود یک سال و چهار، پنج ماه طول کشید؛ یعنی دوره آشنایی ما طولانی، آرام و با شناخت واقعی پیش رفت.»

«مهشید خازنه»، هنرمند و معلم ادامه می‌دهد: «وقتی علی علاقه‌اش را مطرح کرد، من واقعا می‌ترسیدم که رابطه را مخفیانه بدم. بهم نگران بودم اگر پدر و مادرم مخالف باشند، هم من و هم علی آسیب ببینیم. پدرم در ابتدا کمی مخالفت کرد، چون من هم معلولیت جسمی – حرکتی دارم و طبیعی بود که خانواده‌ام نگران باشند که آیا می‌توانم از پس سختی‌های زندگی مشترک با فردی که او هم معلولیت دارد بر بیایم یا نه. پدرم می‌گفت مدتی با هم رفت‌وآمد داشته باشیم، ببینیم سختی‌های معلولیت در زندگی واقعی چگونه خودش را نشان می‌دهد و آیا توان مدیریت آن را داریم.»

او با این جمله «صادقانه بگویم، هیچ‌وقت فکر نمی‌کردم با فرد دارای معلولیت، آن هم معلولیت بینایی، ازدواج کنم»، می‌گوید: «علی اولین فرد نابینایی بود که با او از نزدیک مواجه شدم. اما چیزی که برایم خیلی جالب و مهم بود، استقلال علی بود؛ هم در محل کار و هم در زندگی شخصی. از زبان همکاران هم زیاد شنیده بودم که چقدر مستقل است و وقتی خودم بیشتر او را دیدم، این موضوع کاملا برام روشن شد. راستش مطالعه خاصی درباره افراد دارای معلولیت نداشتم؛ فقط در دانشگاه درباره افراد کم‌توان ذهنی درس‌هایی داشتمیم. بنابراین شناخت من از معلولیت، بیشتر تئوریک و محدود بود، اما علی باعث شد نگاه عمیق‌تر، انسانی‌تر و واقعی‌تری نسبت به معلولیت پیدا کنم.»

«مهشید» به محدودیت‌های بی‌شماری هم اشاره می‌کند: «طبیعتا ازدواج افسردار دارای معلولیت، مانند هر ازدواج دیگری، چالش‌های مخصوص خودش را دارد. زندگی من و علی هم سختی‌های خودش را دارد، اما چیزی که همیشه از آن شکرگزارم، استقلال علی است. با وجود نابینا بودن، رفت‌وآمدش به محل کار، سفر یا انجام کارهای شخصی را با آرامش و اعتمادبه‌نفس انجام می‌دهد. گاهی حتی بیشتر از آدم‌های سالم... با این حال، چیزی که برایم واقعا سخت و آزاردهنده است، نگاه‌های مردم است. وقتی از خانه خارج می‌شویم، بسیاری از نگاه‌ها پر از ترحم، تعجب یا قضاوت است. شاید با گذر زمان عادت کرده باشم، اما هنوز هم در مکان‌هایی مثل مترو، مطب پزشک یا حتی هنگام قدم‌زدن در خیابان، این نگاه‌ها قلم‌ر را می‌فشارد.» او از همراهی و استقلال همسرش می‌گوید: «در خانه علی تا جایی که بتواند کمک می‌کند؛ از انداختن لباس‌ها در ماشین لباسشویی تا شستن ظرف‌ها یا جابه‌جایی وسایل سنگین. خدا را شکر، وقتی هم که بیمار می‌شوم، به خوبی می‌تواند شرایط را مدیریت کند. با این حال، مسئولیت‌های من به عنوان زن خانه، طبیعتا بیشتر و سنگین‌تر از زنان دیگری است که همسرشان معلولیت ندارد، به‌ویژه در میهمانی‌ها یا موقعیت‌هایی که کارهای ریز و درشت زیادی وجود دارد. نمی‌گویم وظیفه است، اما مسئولیت بیشتری بر دوشم می‌نشیند.»

«مهشید» درباره مشکلات دسترسی در فضای عمومی توضیح می‌دهد: «مشکلات ما فقط مربوط به نگاه جامعه نیست. فضای شهری هم چالش‌های جدی برای ما ایجاد می‌کند. پله‌برقی‌های خراب در مترو، پل‌های هوایی بدون آسانسور، یلبوردهایی که بدون فکر وسط پیاده‌رو نصب شده‌اند؛ اینها فقط مثال‌هایی از موانع روزانه ما هستند. علی چندبار با این موانع برخورد کرده؛ یک‌بار سرش شکسته، یک‌بار بینی‌اش آسیب دیده. چاله‌های بی‌مورد وسط کوچه، موتورها که از پیاده‌رو رد می‌شوند و نبود مسیرهای مناسب‌سازی‌شده برای نابینایان، همه اینها هر روز برای علی چالش ایجاد می‌کند و برای من استرس و نگرانی.»

او می‌گوید: «امید من این است که یک روز آن‌قدر در کشور ما فرهنگ‌سازی انجام شود که نگاه‌های ترحم‌آمیز یا چشم‌های متعجب مردم از بین برود و ما را مثل خودشان کاملا عادی ببینند. در محیط کار هم امیدوارم همکاران، افراد دارای معلولیت را به عنوان نیروی برابر، ارزشمند و توانمند ببینند و آن تبعیض‌های بی‌معنی و آزاردهنده پایان یابد. از مسئولان هم خواهش دارم شهر را تا حد امکان برای افراد دارای معلولیت مناسب‌سازی کنند؛ چه افراد با معلولیت جسمی-حرکتی، چه افراد نابینا یا هر نوع معلولیت دیگر. این خواسته نه لطف است و نه امتیاز؛ حق بدیهی ماست.»

گزارش میدانی-تحلیلی «شرق» از رشد قارچ‌گونه کلینیک‌های زیبایی؛ کلینیک‌هایی که بیشترشان مجوز فعالیت ندارند

مافیای زیبایی

ازر برای تأمین داروهای حیاتی و اساسی در کشور وجود ندارد، اما چطور می‌شود که تریلی‌تریلی و کشتی‌کشتی ژل و بوتاکس و سایر تجهیزات زیبایی به‌سرعت و بدون محدودیت وارد کشور می‌شود؟

بنفشه پورنابی؛ چندی پیش خبر فوت یک زن جوان در یک کلینیک زیبایی بر اثر تزریق ژل غیراستاندارد و در پی آن سوزاندن جسد او در رسانه‌های ایران بازتاب گسترده‌ای یافت که به دنبال آن دادستان تهران از صدور دو فقره کیفرخواست برای پزشک متخلف و همداستانش در این پرونده خبر داد. این در حالی است که به گفته عضو هیئت‌مدیره انجمن متخصصان پوست ایران، «بیشتر کلینیک‌های زیبایی مجوز فعالیت ندارند و برخی از کلینیک‌های دارای مجوز نیز بدون رعایت استانداردهای لازم به فعالیت مشغول‌اند که از نمونه‌های آن می‌توان به کلینیکی اشاره کرد که با تزریق ژل غیراستاندارد باعث مرگ آن زن جوان شد». مراکز زیبایی بدون مجوز که تعدادشان رو به گسترش است، به خدماتی از قبیل تزریق ژل، بوتاکس و چربی، کاشت مو، اپرو و مژه می‌پردازند و خدمات خود را از طریق تبلیغات فریبنده در فضای مجازی به‌ویژه اینستاگرام منتشر می‌کنند. عمق فاجعه وقتی بیشتر می‌شود که شاهد تبلیغات ارائه خدمات زیبایی در آرایشگاه‌ها نیز هستیم. از تزریق ژل و بوتاکس تا لیزر، تتو و فروش لژهای رنگی چشم؛ خدماتی که از طرف افراد غیرمتخصص و در محیط‌هایی غیراستاندارد انجام می‌شود، اما چرا مردم به کلینیک‌های زیبایی غیرمجاز مراجعه می‌کنند؟ عوارض مراجعه به این کلینیک‌ها و مراکز غیرمجاز چیست؟ و چرا این کلینیک‌ها به‌سرعت در شهرهای کشور به‌ویژه پایتخت رشد قارچ‌گونه پیدا کرده‌اند و راه‌های مقابله با آنها چیست؟

تبلیغات گسترده در فضای واقعی و مجازی

علیرضا محبی‌پور، نایب‌رئیس و سخنگوی انجمن متخصصان پوست ایران، دراین‌باره به «شرق» می‌گوید: «از نظر وزارت بهداشت، واه‌های به نام کلینیک زیبایی تعریف نشده است. آنچه وجود دارد، درمانگاه تخصصی پوست و مو است که پروانه آن از طرف وزارت بهداشت صادر می‌شود. بنابراین هزاران مرکزی که شما در فضای مجازی به‌ویژه اینستاگرام و فضای حقیقی با نام کلینیک زیبایی می‌بینید، بیشتر مطب‌های پزشکی، سالن‌های آرایش، مراکز کاشت زیرزمینی و... هستند که به صورت غیرقانونی از عنوان «کلینیک زیبایی» برای فریب مردم استفاده می‌کنند». از برخی از خیابان‌های تهران مانند صادقیه که می‌گذری، عده‌ای تراکت‌هایی به دستت می‌دهند که روی آن انواع خدمات زیباییی درج شده؛ از تزریق ژل و بوتاکس و کاشت مژه و اپرو تا وعده عقد قرارداد برای ضمانت ۲۰ساله برای ارائه خدماتی مانند لمینیت و کامپوزیت دندان. فضای مجازی به‌ویژه اینستاگرام نیز مملو از این تبلیغات است؛ از برپایی جشنواره‌های تخفیفی یا عبارت‌های فریبنده مانند پرداخت اقساطی خدمات زیبایی تا تخفیف به مناسبت «بلک‌فراید»، بهره‌گیری از اینفلوئنسرها در این زمینه سبب جذب بسیاری از افراد به‌ویژه دختران جوان به این قبیل اقدامات زیبایی شده است. هنوز هیچ آماری از تعداد کلینیک‌ها و مراکز غیرمجازی که در حوزه زیبایی به فعالیت مشغول‌اند، در دسترس نیست. از سوی دیگر نبود یک سامانه یکپارچه برای ثبت و ردیابی مراکز مجاز و غیرمجاز، تشخیص را برای مردم دشوار کرده است. علیرضا عبدالمطلبی، رئیس انجمن صنفی کلینیک‌های تخصصی پوست و موی تهران، به «شرق» می‌گوید: «اینکه صرفا روی مجوز کلینیک‌های زیبایی تمرکز کنیم، درست نیست، چون برخی از این مراکز اگرچه مجوز دارند، اما به فعالیت‌های غیرمجاز یا فعالیت‌های پزشکی می‌پردازند که ازجمله اینها می‌توان به تزریق ژل و بوتاکس در آرایشگاه‌ها اشاره کرد. آرایشگاه مجوز دارد، ولی نه برای انجام اموری مانند تزریق ژل و بوتاکس». او ادامه می‌دهد: «طی یک تحقیق میدانی که هشت سال پیش انجام دادیم، تنها در خیابان میرداماد تهران ۴۰۰ مرکز غیرمجاز که به فعالیت زیبایی می‌پرداختند، شناسایی شدند».

برونده‌های سنگین عوارض اقدامات غیرتخصصی

شاید کمتر کسی از مراجعه‌کنندگان به کلینیک‌های زیبایی غیرمجاز، از آسیب‌های پزشکی جدی ناشی از اقدامات زیبایی در این مراکز و هزینه‌های درمانی بلندمدت آن آگاهی داشته باشد. عوارض ناشی از تزریق ژل‌های فله‌ای و بی‌کیفیت یا تزریق این مواد به دست افراد فاقد صلاحیت پزشکی و بدون رعایت پروتکل‌های بهداشتی، عوارض متعددی را همراه دارد؛ از نارضایتی‌های شدید مراجعان به این مراکز تا آسیب‌های جدی مانند عفونت‌های مزمن، نکروز پوستی (نوعی عفونت که باعث تخریب بافت پوست می‌شود)، آمبولی (لخته‌شدن خون و انسداد رگ) و... . نایب‌رئیس انجمن متخصصان پوست ایران توضیح می‌دهد: «امروزه حجم بالایی از مراجعه به متخصصان پوست و جراحان پلاستیک ناشی از عوارض ناشی از انجام اقدامات زیبایی در مراکز غیرتخصصی است. از تزریق مواد نامرغوب تا جراحی‌هایی که به دست افراد بدون صلاحیت انجام می‌شود. همچنین بسیاری از سالن‌های زیبایی در تهران، کاشت مو و لیزر تتو انجام می‌دهند که این کار کاملا تخصصی است.» او ادامه می‌دهد: «نتیجه اقدامات زیبایی غیراستاندارد، ایجاد عوارض دائمی، چهره‌های آسیب‌دیده، مشکلات روانی پس از عمل و تحمیل هزینه‌های درمانی بسیار سنگین به خود فرد و جامعه است. ما این روزها با پرونده‌های بسیار سنگینی روبه‌رو هستیم که قربانیان آن سال‌هاست که با عوارض اقدامات غیرتخصصی که روی آنها انجام شده، دست‌وپنجه نرم می‌کنند.»

غیبت مسئول فنی در کلینیک‌های زیبایی

مهدی صانعی، بازریس دادسرای جرائم پزشکی است. او هم به «شرق» می‌گوید: «امروزه یکی از معضلات بخش سلامت، موضوع مراکز و مؤسسات غیرمجاز است. یک کلینیک یا یک مؤسسه پزشکی اگر بخواهد پروانه فعالیت بگیرد، باید فرایندی طولانی طی کند تا از نظر وزارت بهداشت صاحب صلاحیت تشخیص داده شود که یکی از این موارد، داشتن مسئول فنی است.» براساس اعلام او، مسئول فنی حتما باید پزشک متخصص مرتبط با فعالیت آن کلینیک باشد. مثلا برای کلینیک‌های زیبایی، مسئول فنی باید حتما پزشک متخصص پوست بوده و در کلینیک حضور داشته باشد، یعنی کلینیک‌های فعال در دو نوبت صبح و بعدازظهر باید دو مسئول فنی جداگانه داشته باشند و درصورتی‌که یک مسئول فنی خواستار فعالیت در دو شیفت صبح و عصر در آن کلینیک باشد، اجازه فعالیت در کلینیک دیگری را ندارد». سخنگوی انجمن متخصصان پوست ایران هم می‌گوید: «اگرچه از نظر قانونی متخصصان مسئول فنی در کلینیک‌های زیبایی آراشی هستند، اما این مسئله عملا رعایت نمی‌شود و مسئول فنی عموما در محل حضور ندارد. دلایلش شاید این باشد که قانون با هدف تشویق کارآفرینی به هر شخصی که سرمایه دارد، به شرط معرفی دو متخصص پوست به وزارت بهداشت به‌عنوان مسئول فنی، اجازه تأسیس کلینیک زیبایی داده است. حال این فرد می‌تواند یک پزشک عمومی باشد یا یک هنرپیشه، فوتبالیست، طلافروش، مهندس یا بازاری و... . درحال حاضر در تهران مالکیت برخی از کلینیک‌های پوست مربوط به هنرپیشه‌ها یا فوتبالیست‌هاست.»

خدمات ارزان قیمت

شاید بتوان یکی از دلایل مراجعه افراد به کلینیک‌های غیرمجاز را در ارزان بودن قیمت ارائه خدمات آنها دانست که مهم‌ترین دلیل این ارزانی استفاده از مواد مصرفی بی‌کیفیت و نامرغوب مانند ژل‌های فله‌ای و تقلبی و نیز تجهیزات و دستگاه‌های غیراستاندارد مانند دستگاه‌های لیزر موهای زائد است. نایب‌رئیس انجمن متخصصان پوست ایران دراین‌باره توضیح می‌دهد: «قیمت ارزان‌ترین فیلر دارای مجوز برای هر سی‌سی دویلمیلیون و ۲۰۰ هزار تومان و گران‌ترین آن برای هر سی‌سی ۱۱ میلیون تومان است. به این عده‌ها باید هزینه مواد مصرفی و دستمز پزشک را که براساس تخصص، سابقه و شهرت متفاوت است، اضافه کرد و اینکه برای هر فرد معمولا بیش از یک سی‌سی فیلر (ژل) استفاده می‌شود، بنابراین وقتی مردم در تبلیغات، قیمت‌های بسیار ارزان را می‌بینند، باید متوجه شوند که آن کلینیک از فیلرهای چینی غیراستاندارد استفاده می‌کند». در سال‌های اخیر به واسطه رشد شبکه‌های اجتماعی، افزایش تقاضا برای دریافت خدمات زیبایی در دنیا رو به افزایش است. به دنبال این افزایش تقاضا، صنعت زیبایی نیز رو به گسترش و توسعه است. اما این روند در کشور ما با شتاب بیشتری در حال حرکت است. نایب‌رئیس انجمن متخصصان پوست ایران می‌گوید: «در سال‌های اخیر صنعت زیبایی کشور ما با سرعت عجیبی در حال رشد است، اما این رشد در نبود نظارت کافی، استانداردهای مشخص و آگاهی عمومی بیشتر شبیه انفجار است تا توسعه. نتیجه آن هم بازاری است پر از تبلیغات افراطی، مراکز غیرمجاز، افراد باسودجو و جوانانی که گاهی سلامت خود را قربانی می‌کنند تا به تصویری برسند که جامعه از زیبایی ساخته است؛ اصطلاحی که به آن «زیبایی القایی» می‌گویند».

گزارش میدانی-تحلیلی «شرق» از رشد قارچ‌گونه کلینیک‌های زیبایی؛ کلینیک‌هایی که بیشترشان مجوز فعالیت ندارند

مافیای زیبایی

ازر برای تأمین داروهای حیاتی و اساسی در کشور وجود ندارد، اما چطور می‌شود که تریلی‌تریلی و کشتی‌کشتی ژل و بوتاکس و سایر تجهیزات زیبایی به‌سرعت و بدون محدودیت وارد کشور می‌شود؟

به اعتقاد محبی‌پور، نایب‌رئیس و سخنگوی انجمن متخصصین پوست ایران: «مافیای زیبایی در حال فراهم‌کردن بستری است تا از طریق فضاهای مجازی به‌ویژه اینستاگرام و با کمک اینفلوئنسرها مواردی را با عنوان زیبایی به جامعه القا کند. مواردی همچون مدل خاصی از شکل بینی، زاویه فک، چشم و اپرو و... که از طریق فضاهای مجازی به‌اصطلاح «ترند» شده است. در مسیر همین «زیبایی القایی» هم افراد به‌ویژه جوانان به‌شدت دنبال انجام این تغییرات رفته و طبیعتا از همین مسیر هم به تله می‌افتند. القای زیبایی از طریق صفحات اینستاگرام که متأسفانه از طرف نهادهای مربوط به حوزه سلامت مانند وزارت بهداشت هیچ‌گونه نظارتی روی آنها وجود ندارد».

مافیای زیبایی و گردش مالی بالای کلینیک‌های زیبایی

به گفته سخنگوی انجمن متخصصین پوست ایران: «سالانه هزاران میلیارد تومان در حوزه زیبایی جابه‌جا می‌شود»؛ این اصلی‌ترین دلیل تأسیس مراکز زیبایی حتی از سوی گروه‌های فاقد صلاحیت است که با طمع کسب درآمدهای سرشار وارد این حوزه می‌شوند. سودآوری این صنعت در کنار ضعف نظارت‌ها، یکی از دلایل افزایش تعداد مراکز غیرمجاز است، تا جایی که حتی افزایش چندصبرابری جرایم و اقدامات مقطعی مانند تعطیلی و پلمب این مراکز، عملا باعث کاهش تعداد آنها نشده است. او درباره نقش مافیا در صنعت زیبایی و تأمین مواد اولیه برای کسانی‌که اقدامات زیبایی انجام می‌دهند، هم می‌گوید: «جمعیت هدف مافیای حوزه مواد و تجهیزات زیبایی عمدتا گروه‌های غیرتخصصی است و این مافیا با توزیع ژل‌ها و مواد نامرغوب و دستگاه‌های لیزر غیراستاندارد بین پزشکان عمومی و گروه‌های دیگری مثل ماماها و پرستارها و حتی آرایشگران سهم بزرگی در ایجاد آسیب به حوزه زیبایی داشته که از این راه سودهای فراوانی هم کسب می‌کنند». به گفته نایب‌رئیس انجمن متخصصین پوست ایران، در حالی که امروزه تجهیزات مهم پزشکی و دستگاه‌های حیاتی مانند آئژوگرافی، ام‌آر‌آی، رادیوتراپی و... در برخی از بیمارستان‌ها و مراکز درمانی به دلیل نبود قطعه، کمبود دلار و بعضا تحریم‌ها ماه‌هاست خراب و از کار افتاده شده است یا اینکه داروهای حیاتی برای بیماران قلبی، پیوند کلیه، پوست و سایر بیماری‌های مهم نایاب و خارج از دسترس بیماران است تا جایی که بیماران در تهیه آنها مستاصل مانده‌اند، چگونه متقاضیان خرید مواد و تجهیزات حوزه زیبایی به‌راحتی به این مواد و تجهیزات دسترسی دارند؟ او ادامه می‌دهد: «شما می‌توانید دستگاه لیزر موی زائد یا مواد مصرفی مانند ژل و بوتاکس –حتی دارای مجوز– را بدون محدودیت سفارش داده در عرض دو روز آن را تحویل بگیرید. پرسش اینجاست: در صورتی که از لازم برای تأمین داروهای حیاتی و اساسی در کشور موجود نیست یا مشکلات ناشی از واردات و تحریم‌ها وجود دارد، چرا تریلی‌تریلی و کشتی‌کشتی ژل و بوتاکس و سایر تجهیزات زیبایی به‌سرعت و بدون محدودیت وارد کشور می‌شود؟ و اساسا این سیاست یک بام و دو هوا در حوزه سلامت ناشی از چیست؟ به نظر می‌رسد وزارت بهداشت و کمیسیون بهداشت مجلس باید در این زمینه پاسخ‌گو باشند».

درآمد پایین پزشکان عمومی

کمبود درآمد پزشکان به‌ویژه پزشکان عمومی به دلیل تعرفه‌های پایین تعیین‌شده، برای آنان و پاسخ‌گوینودن درآمد برای گذران زندگی، یکی از دلایل همکاری پزشکان عمومی با کلینیک‌های غیرمجاز است. سخنگوی انجمن متخصصین پوست ایران می‌گوید: «ناترازی در حوزه تعرفه‌های پزشکی سبب شده پزشکان جوان برای تأمین معیشت خود سه راه پیش‌رو داشته باشند؛ مهاجرت از کشور، ورود به حوزه زیبایی و افتادن در دام مافیای واردات مواد و تجهیزات زیبایی و در نهایت تغییر شغل». بر اساس اعلام او، پایین‌بودن تعرفه‌های پزشکی باعث شده پزشکی که روزانه ۱۰ مریض دارد، حتی از عهده تأمین مخارج مربوط به اجاره مطب برنماید، چه برسد به تأمین هزینه‌های زندگی. بنابراین به اجبار به سمت اقدامات زیبایی می‌رود. او با اشاره به صحبت‌های یک نماینده مجلس مبنی بر کم‌شدن ۳۰ هزار پزشک عمومی، توضیح می‌دهد: «این گروه کم نشده‌اند، بلکه مهاجرت بین‌رشته‌ای داشته‌اند. آنها درمانگاه را رها کرده‌اند، عوارض متعددی را همراه دارد؛ از نارضایتی‌های شدید مراجعان که با توجه به اینکه در ماه راه ۱۵ شب شیفت شب دارند، درآمد ماهانه آنها به ۱۵ میلیون تومان می‌رسد که کافی نیست. بنابراین برای جبران هزینه‌های زندگی ترجیح می‌دهند در مراکز زیبایی ژل و بوتاکس تزریق کنند».

نبود قوانین بازدارنده

وقتی سرعت رشد یک بازار از سرعت نظارت و قانون‌گذاری بسیار بیشتر باشد، بیشتر شبیه آشفته‌بازار می‌شود؛ حال چه خدمات پزشکی باشد، چه زیبایی و چه غیرپزشکی. خدمات زیبایی در سال‌های اخیر به حدی گسترش پیدا کرده که عملا کیفیت، تخصص و استاندارد‌ها زیر سایه سودجویی مافیای زیبایی قرار گرفته‌اند. از سال گذشته جرایم دخالت غیرپزشکان در امور پزشکی براساس مصوبه هیئت دولت از پنج میلیون به ۵۸۰ میلیون برای بار اول و دو میلیارد و ۱۶۰ میلیون تومان برای بار دوم به بعد افزایش یافته است. هرچند به دلیل سودآوری صنعت زیبایی متأسفانه این افزایش چندصبرابری هم نتوانسته بازدارنده باشد و مراکز غیرمجاز نه‌تنها به فعالیت خود ادامه می‌دهند، بلکه هر روز به تعداد آنها افزوده می‌شود. عضو هیئت‌مدیره انجمن متخصصین پوست ایران یکی دیگر از معضلات حوزه زیبایی را آموزش‌های غیرقانونی می‌اند و می‌گوید: «براساس قانون، کسانی که قصد آموزش در حوزه زیبایی را دارند، باید تقاضای خود را به «کمیته ملی آموزش مهارت» وزارت بهداشت ارائه داده و درخواست مجوز کنند. در حالی که تا به حال مجوزی از سوی این کمیته صادر نشده و درخواستی هم نشده است». او با ابراز تأسف از زیادبودن مراجع و افراد متخلف که به امر آموزش می‌پردازند، اضافه می‌کند: «در حال حاضر جهاد دانشگاهی، دانشگاه آزاد، شرکت‌های واردکننده مواد و تجهیزات پزشکی و برخی پزشکان عمومی با دریافت مبلغی به آموزش تزریق فیلر، چربی، لیفت شقیقه و... می‌پردازند و در پایان دوره به شرکت‌کنندگان گواهی می‌دهند، در حالی که این افراد صاحب صلاحیت نبوده و مدرکی که اعطا می‌کنند نیز از نظر وزارت بهداشت اعتباری ندارد». رئیس انجمن صنفی کلینیک‌های تخصصی پوست و موی تهران هم توضیح می‌دهد: «متأسفانه برخی از مراکز مجاز مانند مراکز فنی-حرفه‌ای به آموزش پزشکی روی آورده‌اند و حتی ادعا می‌کنند تزریق ژل و بوتاکس را آموزش می‌دهند و در پایان دوره مدرک بین‌المللی ارائه می‌دهند. در حالی که سازمان فنی و حرفه‌ای آموزش پزشکی را ندارد». رئیس انجمن صنفی کلینیک‌های تخصصی پوست و موی تهران معتقد است با اینکه قانون، وزارت بهداشت را مسئول رسیدگی به جرائم مربوط به مؤسسات و کلینیک‌های زیبایی کرده است، اما این وزارتخانه به دلیل کمبود نیروی انسانی امکان نظارت بر هزاران مرکز قانونی و ده‌ها برابر بیشتر مراکز غیرقانونی را که هر روز نیز بر تعدادشان افزوده می‌شوند، ندارد. در حالی که کلینیک‌های زیبایی بخشی از کلینیک‌های حوزه پزشکی و سلامت هستند و کلینیک‌های دیگری مانند ترک اعتیاد، قلب و... نیز وجود دارد که رسیدگی به همه آنان با امکانات موجود میسر نیست. صانعی، بازریس دادسرای جرائم پزشکی هم می‌گوید: «نظارت طبق قانون و روال موجود در چرخه اول هر عهده وزارت بهداشت است؛ بازبدهی‌های معمول از مراکز و بازرسی از مراکز مجاز و غیرمجاز نیز با وزارت بهداشت به‌ویژه معاونت درمان این وزارتخانه است. اما در یکی، دو سال اخیر دادسرای جرائم پزشکی در تهران به دلیل نرازدادن بحث مداخله در امر پزشکی، در عرصه نظارت ورود کرده و بازدیدهایی را انجام می‌دهد. هرچند این بازبدهی‌ها به دلیل محدودیتی که از نظر نیروی انسانی وجود دارد، چندان گسترده نیست».

نگاه

فرسودگی خودخواسته تصمیم‌هایی که جوانان را به چرخه اضطراب می‌رساند



حسین منصور کاظمی

تحلیراکثر اجتماعی

نسل جوان امروز با فشارهای روانی، اقتصادی و سبک زندگی مدرن دست‌وپنجه نرم می‌کند؛ از زندگی دیجیتال تا افزایش نگران‌کننده مصرف قلیان، سیگار و ویپ‌های قابل حمل که به نماد جدید خیابان‌ها و کافه‌ها تبدیل شده‌اند. این گزارش تحلیلی به بررسی دلایل پنهانی‌اش می‌پردازد که جوانان را هر روز خسته‌تر و مضطرب‌تر می‌کند.

نسل جوان امروز با شرایطی روبه‌روست که نسل‌های قبل نه تجربه‌اش کرده‌اند و نه حتی تصور می‌کردند روزی به چالش اصلی جامعه تبدیل شود. سبک زندگی پرسرعت، فشارهای اقتصادی و هجوم مداوم اطلاعات، جوانان را بیش از همیشه در معرض خستگی و اضطراب قرار داده است.

یکی از دلایل اصلی، زندگی دیجیتال بدون توقف است. شبکه‌های اجتماعی، پیام‌های فوری و موج‌های بی‌پایان محتوا، ذهن جوانان را حتی در لحظه‌های استراحت درگیر نگه می‌دارد. مقایسه‌های پی‌درپی، ترس از عقب‌ماندن و نیاز به حضور دائمی در فضای مجازی، خستگی روحی مزمنی ایجاد می‌کند که به مرور به اضطراب عمیق تبدیل می‌شود. در کنار این موضوع، فشارهای اقتصادی و شغلی بخش مهمی از اضطراب نسل جدید را تشکیل می‌دهد. هزینه‌هایی که هر روز بیشتر می‌شوند، رقابت شدید شغلی و تلاش برای رسیدن به حداقل‌های استقلال مالی، جوانان را در چرخه‌ای فرساینده قرار داده است؛ چرخه‌ای که گاهی فقط با ظاهر آرام در شبکه‌های اجتماعی پنهان می‌شود.

اما یکی از تحولات نگران‌کننده‌ای که کمتر درباره آن صحبت می‌شود، افزایش مصرف دخانیات است، حالا دیگر نه‌فقط سیگار، بلکه قلیان و «ویپ» به بخشی ثابت از دورهمی‌های جوانان تبدیل شده‌اند؛ ویپ‌هایی که به گردن آویزان می‌شوند، ظاهرا بی‌ضرر جلوه می‌کنند اما وابستگی پنهان و آسیب‌های جدی دارند.

قهوه‌های روزانه، نوشیدنی‌های انرژیزا، تشب‌بیاری‌های طولانی، کار با گوشی تا نیمه‌شب و مصرف مکرر قلیان، سیگار و ویپ، ترکیبی ساخته‌اند که انرژی بدن را می‌گیرد، کیفیت خواب را مختل می‌کند و فرد را وارد چرخه‌ای از خستگی، اضطراب و وابستگی می‌کند. این رفتارها نه‌فقط عادت‌های روزمره، بلکه تلاش‌های پنهان برای فرار از فشارهای ذهنی‌اند؛ فراری که در نهایت استرس را بیشتر می‌کند.

در کنار این عوامل، نبود مهارت‌های مدیریت استرس و سلامت روان نیز وضعیت را پیچیده‌تر کرده است. بسیاری از جوانان روش‌هایی برای تخلیه فشار روانی نمی‌شناسند و در نبود حمایت روان‌شناسی کارآمد، به سمت رفتارهایی می‌روند که در ظاهر آرام‌بخش‌اند اما در باطن اضطراب و خستگی را تشدید می‌کنند.

نسل امروز در چرخه‌ای از اطلاعات بی‌وقفه، فشارهای اقتصادی، سبک زندگی کم‌تحرك، افزایش مصرف قلیان، سیگار و ویپ و نبود مهارت‌های مدیریت استرس گرفتار شده است. فهمی این چرخه و طراحی راهکارهای عملی می‌تواند کیفیت زندگی و سلامت روان جوانان را متحول کند؛ تحولی که جامعه برای آینده خود به آن نیاز دارد.